

تربیت جسمانی

بقلم آقای میرزا علی اصغر خان حکمت

چوده ساله شد زان زمین کس نبود	که یارست با اونبرد آزمود !
به تن همچو پیل و بچهره چوخون	سطرش دوازده و بسان ستون !
به نخچیر شیران برون تاختی	ببازی همی رزمشان ساختی !
بتک در دویدی پی باد پای	گرفتگی دم اسب و ماندی بجای
کسی کاو نژاد تهمتن بود	نباشد گمان کاو فروتن بود

فردوسی



بعقیده ژرژ میلان George L. Meylan (۱)

روح و جسم

مسئله تربیت جسمانی از ازمینه قدیمه تا زمان حاضر

همواره بمناسبت عقاید و افکاری که مردم نسبت بماهیت

جسم انسان و ارتباط آن با روح انسانی داشته اند تغییر نموده ؛ گاهی

محل توجه و ستایش و زمانی مورد تنفر و نکوهش و بعضی اوقات نیز

در محاق غفلت و فراموشی می مانده است .

در تاریخ تربیت بشری وجود این افکار و عقاید بیشتر مربوط

به آرمان یا ایده الهی بوده است که بشر در ازمینه مختلفه نسبت به

کمال انسانیت یا انسان کامل داشته است . وقتی جمال جسمانی یا تربیت

یونانی ، زمانی جمال معنوی یا تعالیم راهبان و مرتاضین و وقتی دیگر

روح جنگی و پهلوانی و بالاخره در ازمینه اخیره عقاید جدید علمی

افکار بشر را هدایت و رهبری نموده است .

کمال انسانیت بعقیده یونانی ها عبارت بوده از

یونانیها

« وحدت و انتظام جسم و روح » و بنابر این در

پروگرام تربیت جوانان یونانی ژیمناستیک موقع مهم و

بزرگی داشته است . تعلیم ورزش بدنی برای اشخاص بزرگ و رجال معروف

(۱) ژرژ میلان از علماء معاصر و معروف امریکا معاون ریاست طبیبی و پرفسور

در ژینازوم دارالفنون کولومیا

یونان ایجاد مقامات محترم و مکاتهای شرافتمندی نمود . شعرا - فلاسفه و مورخین یونان همه در مبارزه‌ها و مسابقه‌های ورزش شرکت می‌نمودند نقاش‌ها و حجارها سرمشق بهترین شاهکارهای خود را در ورزشخانه‌ها *Gymnasium* جستجو میکردند . اطباء یونانی عملیات ورزش را که معلمین ورزشکار ابداع نموده بودند مورد مطالعه و تمجید قرار میدادند بالاخره باقرار تمام مورخین تربیت جسمانی در یونان چه از لحاظ عظمت و پاکی مقصد و چه از مد نظر کمال و ظهور آن مانند يك مؤسسه ملی و چه از حیث تاثیرات مهمی که در اعقاب و انسال بعد نمود در هیچ ملت همتا و نظیر نداشته است .

رومانها
رومان‌ها که پیروان مدنیت یونان (هلنیک) بودند مثل آنها به تربیت جسمانی اولاد خود توجه داشتند و عبارت معروف که « عقل سلیم در بدن سالم است » از آنها باقی مانده « *Mens sana in corpore sans* » لیکن ادوار مختلفه تاریخ متمدن روم مظاهر مختلفه نسبت به تربیت جسمانی نشان میدهد .

تعالیم
راهبان و مرتاضین
چند قرن بعد از ظهور مسیحیت عقاید روحانیان مسیحی و راهبان يك کمال جدیدی برای انسانیت بوجود آورد که عبارت بود از تحقیر جسم و ماده و توجه بمجردات *Ascetic* این فکر که با عقیده یونانیان قدیم کاملاً در نقطه تضاد واقع شده بود چندین قرن در حیات معنوی و اجتماعی ملل اروپا مؤثر گردید و شبیه بان در حدود مائه دوم و سوم هجری عقاید متصوفه و دراویش هندوستان در ملل و ممالک اسلامی بشریت را به ترك تربیت جسمانی دعوت نمود . این عقاید عموماً در روی این اساس بنا شده که « روح و جسم از يك دیگر کاملاً منفک

و دو وجود مستقل و متمایز از یکدیگر هستند و بنا براین نقصان یکی مستلزم کمال دیگری میباشد؛ در تحت نفوذ این عقاید چندین قرن تمرین و تربیت بدنی متروک ماند و پیروان عقاید فوق دنبال ورزش و کمال جسم نرفتند. چون جسم و جسمانی را تابع یا مخلوق شیطان و اهرمن میداستند لذا کمال انسانیت را در نتیجه پرورش روح و اعمال ریاضتهائی که مستلزم کاسته شدن قوای بدنی است جستجو می کردند. نفوذ این عقیده تا اوائل قرن نوزدهم مسیحی مانع از آن بود که جامعه منورالفکر بشریه تربیت جسمانی بردارد.

ولیکن خوشبختانه در قبال عقاید رهبانی در مغرب

هنرهای

و متصوفه در مشرق کمال دیگری برای جامعه انسانی

پهلوانی

بظهور رسیده بود که عبارت بود از « پهلوانی ورزم

آزمائی » این کمال که از ازمئه بس قدیم مطلوب

بشر بود در قرون وسطی منتهای ترقی و تکامل را حاصل نمود. خصوصاً

شاهزادگان و فرزندان امرا و بزرگان و اولاد نجبا و شوالیه ها بر

طبق این منظور تربیت می شدند. این گونه جوانان از آغاز عمر می

بایستی اسب تازی، تیراندازی، شمشیر بازی و کلیه فنون جنگ و شکار

را بیاموزند - اگر چه آداب و اخلاق و طرز رفتار آنها نیز غالباً مورد

توجه معلمین آنها می شد ولی به عوالم علم و ادب کمتر اعتنا می نمودند

این طرز تربیت جسمانی در ایران از زمان سلاطین هخامنشی و ساسانی

وجود داشته است و هنوز هم در زوایای بعیده افغانستان و ایران که

خانواده های ئیلاتی بطرز قدیم موجودند اولاد خود را بهمین طرز پرورش

می دهند. دو قطعه ذیل از فردوسی پروگرام پرورش پهلوانی را

بخوبی وصف می نماید:

۱ - در تربیت سیاوش نزد رستم

نشستگهی ساخت در کستان	« تهمتن بردش بزالمستان
عنان و رکیب و چه و چون و چند	سواری و تیروکان و کند
همان بازو شاهین و یوزو شکار	نشستگه مجلس میکسار
سخن کفتن بزم و راندن سپاه	زبیداد و داد و ز تخت و کلاه
بسی رنج بر داشت کآمد پیر	هنرها پیاموتش سر بسر
مانند او کس نبه در مهان.»	سیاوش چنان شد که اندرجهان

۲ - در تربیت بهرام کور شاهزاده ساسانی نزد نعمان ابن منذر امیر حیره

که در شورسانشان بدی آبروی	« سه مؤبد نگه کرد فرهنگجوی
دل از تیرگها بر افروزدش	یکی تادیری پیاموزدش
پیاموزدش کان بود دلفروز	دگر آنکه نجبر بازان و یوز
همان گردش تیغ با بد گمان	سه دیگر که چوکان و تیروکان
میان یلان گردن افراشتن	چپوراست بیچان عنان داشتن
ز گفتار و کردار کار آگهان	دگر آنکه از کار شاهنشهان
سخن هر چه دارد ز کیتی یابد.»	بگوید به بهرام خسرو نژاد

در اروپا این طرز تربیت تا هائیه هفدهم مسیحی که اواخر عهد ملوک الطرایف « فئودالیتیه » است ادامه داشت و از آن به بعد در تحت

تغییر حیات اجتماعی ملل اروپا آن نیز رفته رفته منسوخ گردید

سبق و رمایه یعنی اسب تازی و تیراندازی که از فنون

اعراب بادیه نشین عهد جاهلیت بود و از هنرهای پهلوانی

اسلام

و تربیت جسمانی شمرده میشد در تعالیم مقدسه اسلام نیز مکاتبی حاصل

نمود. همچنین مبارزه و مصارعه و شناوری و بالاخره

بازی گو و چوکان در زمان خلفا کاملاً متداول گردید. نبی اسلام آ

نه تنها فنون پهلوانی را منع و نهی نفرمود بلکه بعضی احادیث و

اخبار در دست است که مسلمانان را باین گونه هنرها تشویق فرموده-

است. از آنجمله ذکر یک حدیث که اسامه ابن زید نقل نموده در اینجا

تیمناً بی موقع نمیباشد میگوید: روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله در

میدان تیراندازی بعضی از شیوخ اسلام وارد شد و بانها فرمود «ارموا یا بنی اسماعیل فقد کان ابوکم رامیاً و انامع ابن الادرع » آن ها گفتند یا رسول الله تو با هر کس باشی بر دیگران فائق خواهی شد پیغمبر فرمود « ارموا و انامعکم کلکم » پس تمام روز را به تیراندازی پرداخته و آنحضرت نیز با همه آنها همراهی میفرمود تا شام هنگام همگی خرم و شاد بمنزل شتافتند .

یکی از خلفا به لشکر مسلمانان خطاب کرده گفت « لن نخور قواکم ما نزوتم و نزعتم » این ادله و اسناد دیگر که طول کلام اجازه نقل آنها را نمیدهد کافی است که رواج تربیت جسمانی را در صدر اسلام ثابت نماید .

پادشاهان
اسلامی و تربیت
جسمانی

هر چند در اوائل خلفای بنی عباس چنانکه گفتیم تعالیم صوفیه که به ترك ماده و مادیات دعوت میکردند از هندوستان بایران سرایت نمود ولی دربار آنها و دربار امرای مستقل پادشاهان اسلامی در ایران تربیت

یهلوانی را بحد کمال ترویج مینمود . چونکان بازی هرون الرشید در تواریخ مسطور است . و مخصوصاً این حکایت که از فرزندان یکی از سلاطین اسلامی نقل شده است باموضوع مقاله ما مناسبتی تمام دارد . منقول است که پسر پادشاهی مبتلا به ضعف قوا و لاغری مفرط گردید بطوری که قادر بر حرکت نبود بی خوابی و کم اشتهائی و تند خوئی بر مزاج او غلبه نمود و پیوسته بر ناتوانی و هزال او افزوده میگشت و هرچه اطباء او را معالجه میکردند مفید نمی افتاد تا آنکه طیبی از عربستان پدید آمده داوطلب معالجه او شد و پادشاه او را وعده پاداش نیکو داد . طیب پسر را امتحان نموده دانست که مرض او از عدم حرکت

و بیورزشی است . روز دیگر آمده و با خود گو و چوکانی آورد و به طفل گفت « بعضی دواهای نافع بر این گو و چوکان طلایه کرده ام هر کاه چند روز در فضای ایوان با آنها بازی کنی آن دوا در مزاج تو تاثیر خواهد نمود » طفل بدستور او رفتار نموده چند روزی نگذشت که آثار بهبودی در او نمودار گشت ولذت و میل بخواب و خوراک در او عود نمود بعد از چندی بکلی شفا یافته و صحت کامل حاصل کرد . پادشاه طبیب را انعام داده و مکرمت نمود طبیب گفت : « ای پادشاه بدان که در معالجه فرزند تو ذره دوا بکار نبرده ام بلکه شفای او از برکت حرکت در هوای آزاد و ورزش مرتب است که بیمار را از حال کسالت و بطلت بیرون آورده و جامعه عافیت بر او پوشانیده است . »

هم چنین حکایت پادشاه پارس که شیخ اجل سعدی علیه الرحمه در گلستان نقل فرموده که « دری گرانمایه در انگشت داشت و فرمود که انگشتری را بر کنبد عضد در مصالای شیراز نصب کردند تا هر که تیر از حلقه انگشتری بگذرانند خاتم او را باشد و چهارصد مرد تیرانداز که در خدمت او بودند همه خطا کردند کودکی بر بام رباط بیازیچه تیر میانداخت . باد تیر او را از حلقه انگشتری در گذرانید خلعت و نعمت یافت و خاتم بوی ارزانی داشتند . » این حکایت وصدها امثال آن که در کتب و ادبیات ایران موجود است همه دلالت می نماید که سلاطین مسلمان ایران همه به ترویج فنون و هنر های مردانه بذل همت نموده و باولاد خود کاردش و ورزش و شکار و بازیهای پهلوانی می آموختند و از دقائق تشویق و ترغیب فرو گذار نمیگردند .

عقاید علمی
متاخرین

اخیراً نزد علماء اروپا و امریکا کمال حاصل از تربیت جسمانی در تحت ثبوت این قضیه علمی بظهور رسیده است که میگویند: « بکار انداختن دماغ مستلزم بکار افتادن يك عده از اعضاء و جهازات بدن است .

بعبارة اخري يك احساس ساده يا يك بارقه خيال در مغز انسان بظهور نمیرسد مگر آنکه همراه او سایر اعضاء نیز بنوبت خود اعمالی بجای آورند . « علوم جدیده علم الحیات و وظائف الاعضاء و معرفة النفس هر کدام اصولی برای مطالعه و استعمال قوانین مربوطه به نمو و رشد بدن و دماغ وضع کرده اند و امروز بواسطه ترقی و وسعت علوم فوق الذکر علم و بصیرت انسان بر نفس خود افزوده شده و عقاید او نسبت بماهیت انسان و مکان او در عالم وجود اساساً تغییر کرده است . یکی از برجسته ترین نتایجی که از علوم مزبور بدست آمده این است که تربیت اعصاب مخصوص حرکت در زندگانی مادی و معنوی بشری اهمیت حیاتی دارد .

تربیت جسمانی در ازمئه حاضره دو منظور مهم را تعقیب می نماید : اول - صحت مزاج و نمو طبیعی و رشد بدن بطوری که جسم در زندگانی آلت مفید و مؤثری باشد . دوم - تربیت اعصاب حرکت بطوریکه قوای دماغی و قوای بدنی را در تحت ضبط و کنترل آورده و شخصیت و اخلاق فرد را بمنتهای رشد و کمال رساند . این دو مقصد عالی که منظور نظر تربیت جسمانی است بر روی اصول علمی وقواعد ثابتة بیولوژی و فیزیولوژی و پسیکولوژی و علم تربیت قرار گرفته است . ابتدا در اوایل قرن نوزدهم مسیحی لینک سوئدی (۱) سعی و کوشش نمود که

(۱) لینک Per Henrik Ling موسس و مبتکر زیناستیک سوئدی در ۱۷۷۶ در سالاند سوئد تولد شده تحصیلات عالی خود را در اونیورسته کوبنهاگ پاتها رسانید در ۱۸۱۴ مدرسه مخصوص تربیت معلمین ورزش در استکهلم تاسیس نمود که

برای ژیمناستیک قواعد و ضوابطی معین نماید که مبتنی بر اصول علم و وظائف الاعضاء (فیزیولوژی) بوده و عملیات تربیتی را نیز متضمن باشد از آن تاریخ تا کنون در این زمینه ترقیات زیادی روی داده بطوریکه امروز تربیت جسمانی يك جنبه علمی حاصل نموده است .

از زمان تجربه و امتحان او تا کنون این نوع تربیت يك سیر تکاملی نموده و بعد از آنکه مدارج مختلفه را پیموده و صاحب اصول علمی شده است بالاخره سه طرز و سیستم متمایز در اروپا بظهور آورده که عملاً بعد رشد و کمال رسیده اند ، ۱ - ژیمناستیک نظامی و طبی معروف سوئدی که لینک (۱) واضع و مبتکر آن بود . ۲ - ژیمناستیک آلمانی که گوتزموث (۲) و یان (۳) و اسپیس (۴) واضعین آن بوده اند ۳ - ورزشهای پهلوانی Athletics و بازیهای تفریحی Games که در انگلستان از مدارس ابتدائی گرفته تا مدارس عالیہ آنها را پیروی مینمایند

هنوز بنام « انستیتو سانترال » وجود دارد . در ۱۸۳۵ بعضویت اکادمی سوئد و لقب پرفسوری و نشان « ستاره قطبی » از طرف شارل چهاردهم مفتخر گشت در ۱۸۲۹ وفات یافت .

(۲) گوتزموث John C. F. Gutsmuths معلم ورزش در کودلینبرگ سنه ۱۷۵۹ متولد گردید در او نیورسبته حال تحصیلات نهائی را تکمیل نمود و در مدرسه سالازمان معلم گشت در آنجا شخصاً اطفال را به مسابقه دویدن جستن از روی خندق های عریض ، پریدن از ارتفاعات ، نشانه زدن دور دیدن و سایر هنر های بدنی تربیت مینمود . تالیفات او در موضوع تربیت بدنی تأثیر مهمی در توسعه این امر نموده و تمام السه دنیا کرار ترجمه و طبع شده است در ۱۸۳۹ وفات یافت

(۳) یان Friedrich L. John پدر ورزش المان در لائز (پروس) سال ۱۷۷۸ تولد . علوم عالیہ را در او نیورسبته های متعدد تحصیل نمود در ۱۸۰۶ داخل قشون گردید در ۱۸۰۹ به برلن رفت و در ژیمنازیوم (زوم گرون کلوستر) معلم شد در آنجا بشاکردان انواع ورزش را تعلیم میداد وقتی مورد سره ظن دولت شده از برلن تبعید گردید ولی عاقبت خدمات او ثابت شده و یاهام چهارم او را به نشان صلیب آهن نائل نمود . او اواخر عمر به فقر و کمناهی افتاد در ۱۸۵۲ وقت یافت بالاخره ملت المان او را یکنفر وطن دوست صادق العقیده تشخص داده و محبت ورزش را باو مدیون است مجسه او را در غالب شهر های مهم المان ساخته اند .

(۴) اسپیس Adolf Spiess مؤسس مدارس طرز جدید ژیمناستیک در آلمان در ۱۸۱۰ در شهر اوتواخ متولد گردید پسر رئیس مدرسه قبری بود در ۱۸۴۴ در شهر یازل موفق به طرح قواعدی برای ژیمناستیک دختر ها گردید . علاوه بر تعلیم مؤلفات مهمه در این موضوع دارد و خدمات قابل تقدیری نموده است در ۱۸۵۸ وفات یافت .

سیستم های سوئدی و آلمانی دارای این منظور هستند که افراد وطن پرست قوی بنیه قوی الاراده و صاحب ملکه اعتماد بر نفس تربیت کنند اما ورزشها و بازیهای انگلیسی طبیعه در نتیجه میل و شوق طبیعی جوانهای انگلیسی بیازی بظهور آمده و خرد خرد بحد رشد و کمال رسیده است

این سه طرز ورزش اکنون در ملل متمدنه اساس تربیت جسمانی را تشکیل میدهند و تمام آنها در تحت نظام و ضوابط علمی در آمده و در اطراف و اکناف ممالک دنیا رواج یافته است .

ژیمناستیک
اخیراً در ایران بعد از ظهور مدارس بطرز جدید تدریجاً توجه عقلا ودانایان بطرف ژیمناستیک منعطف شده و

در ایران
اکنون چند سالی بیش نیست که ورزش محل توجه واقع گشته است . ولی هنوز توسعه که باید حاصل نموده .

برای اطلاع بر پیدایش و پیشرفت ژیمناستیک در مدارس دولتی یادداشتهائی که میر مهدیخان ورزشنده مفتش و معلم ژیمناستیک مدارس دولتی نگاشته - است در اینجا درج مینمائیم . ژیمناستیک در ایران مرهون خدمات و جدیت اوست و اول کسی است که در اروپا معلمی این فن را بایران ارمغان آورده است . و سزاوار است که یادداشتهای او را از نظر تاریخی مطالعه نمائیم :



یادداشتهای پس از اتمام دوره دارالمعلمین ژیمناستیک بروکسل
میر مهدی خان ورزشنده تقریباً دوازده سال قبل در زمان سفارت آقای
احشام السلطنه وارد اسلامبول شده و باستحضار
معلم و مفتش کل مدارس ایشان مدیریت دارالمعلمین ورزش اسلامبول را

بینده و آگذار میگردند چون تغییر تبعیت را برای من تکلیف مینمودند قبول نکرده و برای ادای وظیفه شاکردی که مدتها تحصیلاتم در آنجا بوده اظهار نمودم که بدون تغییر تبعیت یکسال برای خدمت حاضرم لیکن بدون تغییر تبعیت نپذیرفته و از آنجا با قلب پر از شغف و امید خدمت بوطن عزیز خود یعنی ایران به طهران وارد شدم چون میدانستم که مابجا اهالی و ترقی هر ملت منوطاً بتوسعه و تکمیل معارف آن است قبلاً با دیپلمهای خود حضور وزیر معارف وقت شرفیاب شده پس از تعارف زیاد سؤال فرمودند که مقصودتان چیست؛ بنده بدو شرح مختصری از ورزش عرض و اهمیتی را که در دنیا حائز شده بعرض رسانده و شاهد زحمات و معلومات خود را ارائه دادم پس از تشویقات زیاد فرمودند من شما را بوزارت داخله توصیه مینمایم که در ژاندارمری مشغول باشید بنده هم جز قبول وظیفه نداشتم با دریافت کاغذ توصیه به ژاندارمری رفتم. آنجا هم جواب این شد که «تقدماً بوجود معلم ورزش احتیاج نداریم.» خلاصه هردری را زدم جواب منفی بدست آمد در عوض تشویق تمسخر هم کرده میگفتند «مرد حسابی تو هم رفتی فرنک چیز برای ما یاد گرفتی جیم بلاستیک هم چیز شد که تو تحصیل کرده و از این راه میخواهی بوطن خدمت کنی؟» اما بنده در مقابل این تمسخر ها دلایل فنی اقامه کرده و از جواب خود داری نمیگرددم بایک عزم راسخ بهر نقطه که میرسیدم اظهار حیات کرده دعوت بورزش مینمودم تا در خدمت چند نفر از اطباء محترم و معظم شهر سابقه پیدا کرده ژیمناستیک (ماساژ) را ترویج نموده بکار انداختیم و در حقیقت علی العموم اطباء محترم با کمال خوشوقتی اعلامیه بنده را تلقی فرموده مریض های ضعیف و (پاراتیک) خود را که احتیاج بماساژ داشتند نزد اینجانب میفرستادند کم کم عوام هم فهمیدند که ماساژ یعنی مالش طبیی پر بی اهمیت نیست (حالا که دوازده سال از

آن دوره گذشته علی‌العموم میدانند که اساساً یکی از مهمترین شعب‌طبی و دکترهای مخصوص این فن باید سه‌سال در دارالفنون های خارجه درس بخوانند) در عین حال برای (ژیمناستیک آکتیو) نیز تبلیغات میشد تا روزی بمدرسه آلیانس فرانسه حضور بهم رسانیده کنفرانس مختصری راجع بفوائد ورزش ایراد کردم در نتیجه ده نفر از شاگردان حاضر بوزش شدند ولی چون از همه جهات صدای مخالفت و انتقاد میشنیدند پس از دو ماه ورزش را تعطیل نمودند از آنجا بمدرسه سن لوئی رفتم چون بودجه نداشتند مجانا حاضر برای کار شدم و مدت شش ماه درس را مداومت دادم در این موقع مدرسه با سه سپهر از طرف فارغ التحصیل‌های مدرسه دارالفنون تأسیس و بنده را با ماهی هشت تومان حقوق برای معلمی ورزش دعوت نمودند و این بنده نیز چون مقصود اصلیم خدمت بنویا و کان وطن عزیز و جز دعوت بوزش و ادارک فضایل این فن منظوری نداشتم قبول نمودم پس از چهار ماه در جشن سالیانه معارف در دار الفنون کنفرانس مفصلی راجع بوزش و اهمیت آن جهت محصلین ایراد کردم و در ختم کنفرانس با محصلین مدرسه سپهر مشغول عملیات ورزش شدیم و در اختتام کار وزیر محترم معارف آقای حکیم‌الملک بانهایت مهربانی در جلو حضار دست مرحمتی داده و با يك نشان علمی درجه دوم مفتخرم فرمودند و از آساعت با حقوق چهل تومان بمعلمی ورزش مدارس دولتی مامورم فرمود از آن تاریخ بهمت آقای حکیم‌الملک هفته دوساعت در مدارس ورزش شروع شده و در سایه توجهات ایشان روز بروز توسعه یافته و مبدائی برای شروع ورزش فنی در ایران با اسم آن وزیر محترم در تواریخ ثبت گردید

بالاخره آقای ابوالفضل خان صدری را بمعاونت خود پیش نهاد و آقای

حکیم الملك با همراهی و لطف سرشار قبول فرمودند و در وزارت مرحوم ممتاز الملك نیز مساعدت و تشویقی که شد این بود در مواقع قحطی بنده پیشنهاد نمودم که برای فلك زدگان شبستر با ورزش جشن گرفته و عواید آنرا بانجا بفرستیم وزیر محترم همراهی فرموده و امر فرمودند که تمام شاگردان مدارس در این امر خیر شرکت جویند و در عمارت مسعودیه یعنی محل حالیه وزارت معارف مبلغ دو بیست و سی تومان برای فقراى شبستر جمع شد و در این جشن وزیر وقت بنده را با يك نشان علمى درجه اول تشویق فرمودند و در وزارت حضرت آقای نصیرالدوله وزیر محترم معارف تعلیم این فن بیشتر مورد توجه افتاده و بر کالبد بی جان ورزش روحی تازه دمیده شد و حسب الامر وزیر وقت برای چهل مدرسه دولتی معلم تهیه و مشغول کار شدند و برای تشویق بیست تومان به بنده و بیست تومان به آقای صدری اضافه حقوق مقرر فرمودند و نیز در عهد وزارت حضرت آقای حاجی محترم السلطنه عطف توجه کاملی بوزنش شده و آقای میرزا علی اکبر خان داور رئیس محترم معارف فوق العاده همراهی فرمودند، از آنجمله در جشن کلوپ ژیمناستیک بدستور ایشان محصلین مدارس هم حاضر و حسب الامر بندکان حضرت اشرف محصلین مدرسه نظام هم شرکت جسته و ورزش ایران کم کم پا بمدارج عالیہ گذاشت اخیرا در تحت توجهات وزارت معارف و رؤسای محترم آن وزارتخانه ورزش فوق العاده اهمیت پیدا کرده و بنا به پیشنهاد اداره تفتیش و حکم وزارت جلیله روزهای دوشنبه بعد از ظهر عموم مدارس ابتدائی تعطیل شده و در تحت نظارت آقای صدری و معلمین ژیمناستیک مانند اروپا بخارج شهر برای گردش و بازی میروند و نیز ورزش در تمام مدارس اجباری و محصلین مدارس مجبورند در امتحان نمره داشته باشند در این اواخر از اداره تفتیش پیشنهادی تقدیم و تهیه کردند که بر طبق آن

يك كلاس تعليم ورزش در مدرسه دارالفنون با پروگرام ذيل تصويب شد كه در آخر هر سال معلم تازه تهيه شده و در سايه اين موسسه وزارت



شاگردان مدارس دولتي در جشن اربيهشت ۱۳۰۴

جليله موفق باصلاح نسل و نژاد ايراني گشته سلولهاي عصبی و عضوی اطفال را تربيت نموده و برای آتیه ايران اشخاص صحيح البنيه و

صحيح الاخلاق تهيه نمايد معلوم است اشخاصی که سلسله اعصاب و قوای دماغیه آنها در روی يك اسلوب اساسی بحد رشد رسیده و بدن آنها ورزیده و متحمل همه نوع کارهای شاقه بوده و هر کدام از اعضایشان بحالت طبیعی انجام وظیفه و کارنمایندارای يك فکر سليم و بهمه نوع ترقیات قابل و بانجام مقاصد و آمال خود موفق خواهد بود

مواد پروگرام مدرسه ورزش بقرار ذیل است

- ۱ - عملیات ورزش ۲ - بازیهای تربیتی ۳ - نظریات و تاریخ ورزش
 - ۴ - اسپور (فوتبال - اسکریم - بکس - تنیس - شناوری - والبول - دیسک پراندن - نیزه پراندن)
 - ۵ - تشکیلات بوی اسکاتی بیش آهنگی ۶ - علم وظایف الاعضاء ۷ - تشریح ۸ - حفظ الصحه کامل
- این بود شرح مختصری از تاریخ ورزش و عملیات چندساله بنده که بعرض رسید ، درآینده وضعیت فعلی تربیت جسمانی در مدارس ایران نیز بعرض خواهد رسید

برای سپاس گذاری و ادای وظیفه حق شناسی این بنده بنوبت خود از عموم رؤسای محترم وزارت معارف تشکر نموده و همیشه از خداوند متعال مسئلت مینمایم که بخدمت انبساء وطن مقدس موفق و مقضی المرام باشند.

